بررسی توزیع درآمد کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ و عوامل مؤثر بر آن

مهرداد توده‌روستا و جواد میرمحمدصادقی[۱]

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی وضعیت توزیع درآمد کشاورزان در دو ناحیه دشت و کوه شهرستان ساوجبلاغ استان تهران بود. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری با ۳۵۰ کشاورز، که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و تصادفی انتخاب گردیدند، به دست آمد. برای تحلیل نتایج از تکنیک‌های ضریب جینی، مقایسه پنجک‌ها و مقایسه میانگین‌های متغیرهای مختلف استفاده شد.

نتایج نشان داد که میزان نابرابری درآمد در ناحیه کوه بیشتر از ناحیه دشت است. میانگین درآمد در پنجک پنجم دشت و کوه به گونه‌ای چشم‌گیر بیشتر از پنجک‌های دیگر آنها بود، و این موضوع در ناحیه کوه شدت زیادتری داشت. نابرابری توزیع در مورد زمین نیز دیده شد. منابع درآمد کشاورزان از فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، دامداری و باغداری) و غیر کشاورزی (شغل دوم و درآمدهای دیگر) بود. نابرابری در توزیع درآمد کل در نواحی دشت و کوه بیشتر از منابع کشاورزی نشأت می‌گرفت، و درآمدهای غیر کشاورزی در این نابرابری نقش کمتری داشتند. نابرابری درآمدهای کشاورزی در دشت به ترتیب به دامداری، باغداری و زراعت، و در کوه به دامداری، زراعت و باغداری مربوط می‌شد.

واژه‌های کلیدی: ***توزیع درآمد، منحنی لورنز، ضریب جینی، پنجک‌ها و دهک‌ها، نسبت‌های درآمدی، ساوجبلاغ***

مقدمه

یکی از اهداف اساسی توسعه روستایی کاهش و از بین بردن فقر در مناطق روستایی است (۷). بانک جهانی توسعه روستایی را یک استراتژی می‌داند، که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم، به ویژه روستاییان، طراحی و اجرا می‌گردد. این فرایند شامل گسترش منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند (٦). ازسوی دیگر، در بیشتر طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی، منافع حاصل از آنها کمتر عاید فقرای روستایی شده است، و حتی در بیشتر طرح‌ها ثروتمندان سود بیشتری از اجرای آنها برده‌اند (۱۲ و ١٤).

از سویی، فقر در هر کشوری از دو علت نشأت می‌گیرد.

۱. به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و استاد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

علت اول کم بودن درآمد ملی، و علت دوم نابرابری توزیع درآمد است، به گونه‌ای که قسمت اعظم درآمد به دست عدهٔ معدودی از افراد جامعه می‌رسد (۷). از این رو، شناخت سطح درآمد و نحوهٔ توزیع آن در این گروه از کشورها، برای شناخت شدت فقر ضروری است. از سوی دیگر، چون بیشتر مستمندان در کشورهای جهان سوم ساکن روستا هستند، و اغلب به کشاورزی می‌پردازند، شناخت توزیع درآمد در میان کشاورزان ساکن در روستاها می‌تواند کمک شایانی به شناخت میزان فقر در آن جامعه کند.

جرج آکسین (به نقل از ۵) توسعه روستایی را با افزایش شخصیت و اعتبار زندگی افراد روستایی و تغییر زارع از یک روستایی فقیر به کشاورز مترقی و علمی و در همان حال بهبود کیفیت زندگی، تغذیه بهتر و عرضه منظم و بیشتر مواد غذایی برای ساکنان شهرها با قیمت ارزان‌تر می‌داند.

پژوهش‌هایی که در نحوهٔ توزیع درآمد و فقر انجام شده بسیار زیاد است. این پژوهش‌ها در مقاطع زمانی مختلف و در مکان‌های متفاوتی انجام شده است. در هر کدام از آنها اثر یک یا چند عامل مختلف بر نحوهٔ توزیع درآمد و فقر مد نظر قرار گرفته است.

دات و همکاران (۱۳) در پژوهشی با استفاده از ۲۵۰۰ مشاهده در ۲۰ استان کشور مصر در سال ۱۹۹۷، به نتایج زیر دست یافتند: بر این اساس خانواده‌هایی که سرپرست زن داشتند از خانواده‌هایی که سرپرست مرد داشتند، فقیرتر بودند. در مناطق شهری ۳۳ درصد خانوارهای با سرپرست زن و ۲۲ درصد خانوارهای با سرپرست مرد فقیر بودند. در مناطق روستایی هم این دو رقم به ترتیب ۳۶ و ۲۸ درصد بود. بی‌سوادان شهری و روستایی قشر بزرگی از فقرای این کشور را تشکیل می‌دادند، و سطح سواد در بین روستاییان از شهرنشینان کمتر، و در میان زنان از مردان پایین‌تر بود. در بخش روستایی فقرای مرد بیشتر کشاورز، و در بخش شهری کارگران بخش صنعت بودند. در میان زنان در بخش روستایی، بیشتر فقرا کشاورز، و در بخش شهری کارکنان بخش‌های تجارت و خدمات بودند.

آدامز (۱۱)، در یک بررسی در سه استان پاکستان با استفاده از اطلاعات سه ساله (۱۹۸۶–۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸–۱۹۸۹) خانوارهای روستایی و با استفاده از تابع کاب‌داگلاس، نتیجه گرفت که فقر روستایی به مقدار و نابرابری درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی مربوط می‌شود. از دیگر نتایج این که از پنج منبع درآمد روستایی (کشاورزی، دامداری، اجاره‌داری، مشاغل غیر کشاورزی و حمل و نقل)، درآمد کشاورزی سهم بزرگ‌تری از نابرابری را تشکیل می‌دهد، و علت اصلی آن توزیع نامناسب زمین است. از عوامل دیگر توزیع نابرابر، کشت محصول تجاری نیشکر به وسیلهٔ ثروتمندان است که سود سرشاری نصیب آنها می‌کند. از این رو، برای کاهش تفاوت درآمد، دولت می‌تواند برای کشت این محصول به کشاورزان کم‌درآمد کمک کند. هم‌چنین، دولت می‌تواند فناوری مناسب را برای تولید محصولات غذایی و خوراک دام در اختیار فقرای روستایی قرار دهد.

در بررسی آسایش (۱) در مورد نابرابری درآمد و شکاف بین شهر و روستا در ایران ذکر شده است که نسبت درآمد ده درصد ثروتمندترین خانوارهای کشور به درآمد ده درصد فقیرترین خانوارها در سال ۱۳۶۵، ۳۲ و در سال ۱۳۷۰، ۲۷ بوده که نشان دهندهٔ بهتر شدن توزیع درآمد در سال ۱۳۷۰ نسبت به ۱۳۶۵ است. با این وجود، توزیع درآمد در سال ۱۳۷۰ هنوز ناعادلانه بوده و ضریب جینی آن ۰/۴۵۶ است که رقم نسبتاً نامطلوبی می‌باشد. نسبت فوق‌الذکر در سال ۱۳۷۰ در روستا در مقایسه با شهر از وضعیت بدتری برخوردار بوده، بدین معنی که نسبت درآمده ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین در روستا ۲۸/۵ و در شهرها ۱۹/۸ بوده است. وی هم‌چنین نشان داده که تا سال ۱۳۷۳، مناطق روستایی در زمینه خدمات اجتماعی و تسهیلات رفاهی و درآمدی به طور کلی از نقاط شهری عقب مانده‌اند، هرچند که پیشرفت‌های زیادی نیز داشته‌اند.

از جمله پژوهش‌های دیگری که در زمینهٔ توزیع درآمد در ایران انجام شده است می‌توان پژوهش پسران (۱۵) در کل

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

کشور، ارسلان‌بد (۲) در سطح کشور و استان، و کوپاهی (۸ و ۹) در روستاهای شهرستان کرج و مغان را نام برد.

پژوهش پسران (۱۵) به سال‌های دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد. از جمله یافته‌های او این است که توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری بوده است. هم‌چنین، خانوارهایی که در فقیرترین دهک قرار داشتند همگی بی‌سواد و با سطح بی‌کاری بالاتری رو به رو بوده‌اند.

ارسلان‌بد (۲) با استفاده از ضریب جینی، اولاً تغییرات توزیع مصرف بین خانوارهای روستایی و شهری ایران بین سال‌های ۱۳٦۵ و ۱۳۷۵ را بررسی کرد، و ثانیاً این تغییرات را برای استان‌های مختلف کشور به کار برد. از میان نتایج حاصله می‌توان به ضرایب جینی توزیع مصرف در روستاهای کشور در سال‌های ۱۳٦۵ و ۱۳۷۵ اشاره کرد، که به ترتیب ۰/٤۵۸ و ۰/٤۲۱ بوده است. ارقام مشابه برای مناطق شهری ۰/٤۳۰ و ۰/٤۰۳ بوده است. البته این کاهش ضریب جینی بین دو زمان در همه استان‌ها به وقوع نپیوسته، و در برخی از استان‌ها ضریب جینی افزایش داشته است.

از جمله نتایج بررسی کوپاهی (۸) در روستاهای شهرستان کرج، که به سال‌های دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد، این است که میانگین درآمد متوسط سالیانه کشاورزان کمتر از غیر کشاورزان بوده است. برای کشاورزان، و نیز غیر کشاورزان، توزیع درآمد به طور چشم‌گیری اریب بود، به طوری که ۳۰ درصد خانوارهای نمونه فقط هفت درصد کل درآمد را داشتند و ۹ درصد خانوارهای بالای درآمدی ٤۰ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده بودند.

پژوهش دیگر کوپاهی (۹)، که در روستاها و ایل‌های شهرستان مغان انجام شد، نیز به سال‌های دهه۱۳۵۰ برمی‌گردد. از جمله نتایج این بود که درآمد متوسط افراد ایل شاهسون در حدود ده درصد کمتر از درآمد متوسط سرانه کشاورزان بود. افزون بر این که توزیع درآمد در بین ایل نامتعادل‌تر از توزیع درآمد بین کشاورزان بود (توزیع درآمد به وسیله منحنی لورنز نشان داده شده بود).

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در میان کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ، در شمال غرب استان تهران است. شهرستان ساوجبلاغ در هنگام پژوهش (در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹)، شامل ٤٤۷ آبادی، مکان و مزرعه، سه بخش، سه شهر (هشتگرد، نظرآباد و شهرک طالقان)، ۱۲ دهستان و ۲۷۸ آبادی دارای سکنه بوده است. این شهرستان در آبان ماه ۱۳۷۵ دارای ٤۷۹٦۳ خانوار بوده است. در همین سال، جمعیت شهرستان بالغ بر ۲۲۳۰۷۱ نفر بوده، که ٤۷ درصد شهری و ۵۳ درصد روستایی بوده‌اند (۱۰). از کل ٤۷۹٦۳ خانوار شهرستان ساوجبلاغ، ۷۰۰۰ خانوار آن را کشاورزان، و بقیه را خانوارهای شاغل در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی تشکیل می‌دادند، که در دو ناحیه دشت و کوه ساکن بودند. این ۷۰۰۰ خانوار کشاورز، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. تقسیم شهرستان به دو ناحیه دشت و کوه به علت تنوع و اختلاف اقلیم، و به دنبال آن اختلاف در نوع محصولات، تسهیلات موجود، شرایط فرهنگی و عوامل دیگر بوده است. از ۷۰۰۰ خانوار تقریباً ۵۲ درصد در دشت و ٤۸ درصد در کوه ساکن بودند.

این پژوهش با پاره‌ای از مشکلات رو به رو بود، که عبارت‌اند از مشکلات جغرافیایی و صعب العبور بودن برخی از مناطق کوهستانی، وسیع بودن منطقه و فاصله بسیار زیاد روستاهای مورد بررسی از یکدیگر، به خصوص در مناطق کوهستانی، محدودیت‌های مالی پژوهش، و مشکل گرفتن پاسخ از پاسخ دهندگان. برای گرفتن پاسخ صحیح‌تر از کشاورزان، در بیشتر اوقات تمام پاسخ‌گویان یک روستا و یک فرد مطلع، باسواد و آگاه از وضعیت درآمدهای کشاورزی و شماری کشاورز که جزو پاسخ‌گویان نبوده و از همان روستا بودند، در یک محل جمع، و پرسش‌ها از آنها پرسیده می‌شد.

مواد و روش‌ها

برای انتخاب نمونه، با توجه به وجود دو ناحیه بزرگ (دشت و کوه) و تفاوت در نسبت خانوارهای کشاورز در این دو ناحیه،

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد. برای محاسبه اندازه نمونه فرمول کوکران (۳) به کار رفت. اندازه نمونه پس از محاسبه ۳۵۰ کشاورز در نظرگرفته شد (۱۸۲ خانوار برای دشت و ۱٦۸ خانوار برای کوه). در مرحله دوم از نمونه‌گیری، روستاهای دشت و کوه، با توجه به شمار خانوارهای کشاورز، به پنج طبقه تقسیم شدند. این پنج طبقه عبارت بودند از روستاهای با ۵۰ خانوار کشاورز و کمتر، روستاهای با ۵۱ تا۱۰۰ خانوار کشاورز، روستاهای با ۱۰۱ تا ۱۵۰ خانوار کشاورز، روستاهای با ۱۵۱ تا ۲۰۰ خانوار کشاورز و روستاهای با بیش از ۲۰۰ خانوار کشاورز. سپس از هر طبقه، با توجه به جمعیت آن و به طور تصادفی، دو یا سه روستا انتخاب شد، و سرانجام در مجموع ۲۸ روستا (۱۲ روستا در دشت و ۱٦ روستا در کوه) انتخاب گردید. سپس با توجه به جمعیت هر طبقه، از روستاهای آن به طور تصادفی تعدادی خانوار کشاورز انتخاب و برای هر خانوار پرسش‌نامه‌ای پر شد.

درآمد کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ، که در این پژوهش توزیع آن بررسی شد، از جمع دو بخش منابع درآمدی کشاورزی و منابع درآمدی غیر کشاورزی به دست می‌آید. منابع درآمدی کشاورزی به سه گروه زراعت (عمدتاً گندم، جو، صیفی‌جات، یونجه، ذرت، حبوبات و غیره)، دامداری (گاو، گوسفند و بز) و باغداری (عمدتاً هلو، سیب، گلابی، شبرنگ، آلو، گردو و غیره) تقسیم شد. منابع درآمدی غیرکشاورزی هم شامل بخش‌های شغل دوم (کارگری، کارمندی، فرهنگی، رانندگی، مغازه‌داری و غیره) و درآمدهای دیگر (کمک‌های طرح شهید رجایی، حقوق بازنشستگی، درآمدهای حاصل از اجاره‌دهی زمین، باغ، خانه و مستغلات و غیره) بود.

در پرسش‌نامه طرح شده در باره ویژگی‌های اعضای خانوار، میزان زمین ملکی و زمین اجاره‌ای خانوار، سطح زیر کشت و عملکرد محصولات مختلف و قیمت هر واحد از محصولات کشت شده، شمار دام‌های خانوار، هزینه‌های کشاورزی و درآمدهای حاصل از آنها، و نیز درآمدهای حاصل از شغل دوم و سایر درآمدها پرسیده شد. برای محاسبه درآمدهای ناخالص زراعت و باغداری، سطح زیر کشت در عملکرد محصولات مختلف و قیمت هر واحد از آنها ضرب شد. برای درآمدهای ناخالص دامی نیز میزان تولید هر یک از محصولات (اعم از خام و یا فراورده شده) دامی در قیمت هر واحد آنها ضرب شد. هزینه‌ها[1] نیز پس از محاسبه از درآمدهای ناخالص کسر گردید. به این ترتیب درآمدهای خالص حاصل از زراعت، باغداری و دامداری محاسبه شد. این درآمدهای خالص در تحلیل‌های توزیع درآمد به کار گرفته شد. میزان درآمدهای شغل دوم و درآمدهای دیگر مستقیماً از پاسخ‌گویان پرسیده شد. برای انجام محاسبات نرم‌افزارهای آماری Excel و SPSS به کار رفت.

در این پژوهش برای سنجش نحوهٔ توزیع درآمد از نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به سهم گروه‌های کم‌درآمد، منحنی لورنز، ضریب جینی و مقایسه دهک‌ها و پنجک‌ها استفاده شد. در این جا مختصراً تکنیک‌ها و معیارهای به کار رفته معرفی می‌شود:

دهک‌ها و پنجک‌های درآمدی

برای تعیین دهک‌ها و پنجک‌های درآمدی نخست کل افراد جامعه از نظر سطح درآمد از کوچک به بزرگ مرتب می‌شود. سپس این افراد به ده گروه (دهک) یا پنج گروه (پنجک) تقسیم می‌شوند، و جمع درآمد هر طبقه محاسبه می‌شود. هر چقدر دهک‌ها و یا پنجک‌های با درآمد کم، با دهک‌ها و یا پنجک‌های با درآمد زیاد اختلاف بیشتری داشته باشند، نابرابری درآمدی

۱. هزینه‌های زراعت شامل هزینه‌های شخم، دیسک، بذر، بذرپاشی، تنک کردن، سم، سم‌پاشی، کود، کودپاشی، مرزبندی، ایجاد جوی و پشته، وجین کردن، برداشت، خرمن‌کوبی، آبیاری، حمل محصول و هزینه‌های متفرقه بود. هزینه‌های باغداری شامل هزینه‌های هرس، بیل‌زنی، آبیاری، کود، کوددهی، سم، سم‌پاشی، برداشت و حمل محصول و هزینه‌های متفرقه بود. هزینه‌های دامداری شامل هزینه‌های خوراکی دامداری (یونجه، جو، کاه، سبوس، ذرت، اجاره مرتع و غیره) و هزینه‌های غیر خوراکی دامداری (دام‌پزشکی، بهداشت، ضدعفونی، تلقیح مصنوعی، هزینه‌های آب و کارگر و هزینه‌های متفرقه) بود. برای هزینه ماشین، هزینه‌های معادل در صورت اجاره کردن آنها منظور شد. شایان ذکر است که هزینه‌های کار کشاورز و خانواده او، که به صورت نقدی پرداخت نشده بود، و نیز هزینه‌های زمین ملکی، محسوب نگردید.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

بیشتر است؛ هرچه اختلاف کمتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر است (٤).

منحنی لورنز

اگر در یک دستگاه مختصات روی محور طول‌ها درصد «تجمعی جمعیت» و روی محور عرض‌ها درصد «تجمعی درآمد» مشخص شده، سپس نقاط با طول و عرض‌های مختلف نمونه یا جمعیت مورد نظر به هم وصل شوند، منحنی لورنز (نام ابداع کننده منحنی) به دست می‌آید. به سخن دیگر، منحنی لورنز مکان هندسی نقاطی است که مختصات آنها درصدهای تجمعی جمعیت و درآمد است. نمودار ١ یک منحنی فرضی لورنز را نشان می‌دهد.

اگر توزیع درآمد در جامعه‌ای کاملاً برابر باشد، مثلاً ١٠ درصد افراد جامعه ١٠ درصد درآمد و درصدهای دیگر نیز همان درصد را به خود اختصاص داده باشند، منحنی لورنز همان قطر مربع (خط برابری کامل) می‌شود. هم‌چنین، در حالتی که توزیع درآمد به طور کامل نابرابر و تمامی درآمد ملی جامعه در دست یک نفر باشد، منحنی لورنز به شکل L شده و بر اضلاع قائمه مثلث منطبق می‌شود. البته این دو وضعیت (منحنی لورنز به صورت قطر مربع و به شکل L) در هیچ جامعه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

هرچه توزیع درآمد در جامعه نابرابرتر باشد، منحنی لورنز از قطر فاصله بیشتری خواهد گرفت. به این ترتیب، با مشاهده منحنی لورنز رسم شده برای یک جامعه می‌توان تصویری تقریبی از چگونگی توزیع درآمد را در آن جامعه مجسم کرد (٤). فاصله بین منحنی لورنز و خط برابری کامل ناحیه تمرکز نامیده می‌شود (٦). این ناحیه در نمودار ١ با حرف A مشخص شده است.

ضریب جینی

روش دیگر سنجش توزیع درآمد، روش جبری است، که جینی آماردان ایتالیایی آن را ابداع کرده است. در این روش مساحت بین منحنی لورنز و قطر مربع (یعنی ناحیه A در نمودار ١) را بر مساحت نصف مربع (یعنی ناحیه B + ناحیه A در نمودار ١) تقسیم می‌کنند. به بیان دیگر، ضریب جینی برابر است با:

$$G = \frac{\text{مساحت A}}{\text{مساحت (A+B)}}$$

به این ترتیب، مقدار ضریب جینی بین صفر و یک خواهد بود. اگر به فرض منحنی لورنز بر قطر مربع منطبق، یعنی توزیع درآمد در جامعه کاملاً برابر باشد، مساحت ناحیه A برابر صفر بوده، بنابراین ضریب جینی صفر خواهد شد. ضریب جینی برابر با یک نیز هنگامی حاصل می‌شود که مساحت ناحیه B صفر شود، یعنی توزیع درآمد کاملاً نابرابر باشد. البته این دو وضعیت (ضریب جینی صفر و یک) در عمل وجود ندارد (٤).

نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به سهم گروه‌های کم‌درآمد

در این معیار، نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به سهم گروه‌های کم‌درآمد محاسبه می‌شود. مهم‌ترین حالت‌ها محاسبه سهم ٢٠ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ٤٠ درصد خانوارهای کم‌درآمد، و نیز نسبت سهم ١٠ درصد خانوارهای پردرآمد به ١٠ درصد خانوارهای کم‌درآمد است. البته این نسبت‌ها را بنا بر سلیقه می‌توان تغییر داد، ولی استفاده از این دو نسبت رایج‌تر از دیگر نسبت‌هاست. بدیهی است که هرچقدر میزان این نسبت‌ها بزرگ‌تر باشد، میزان نابرابری هم بیشتر است (٤).

نتایج و بحث

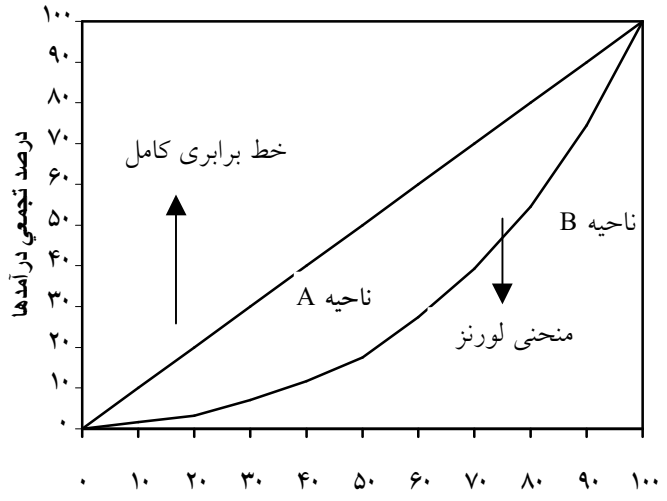
توزیع درآمد در دشت، کوه و کل شهرستان

مقایسه میانگین درآمدها

جدول ١ میانگین و انحراف معیار درآمد خانوارهای کشاورز شهرستان ساوجبلاغ از فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و اجزای هر کدام از آنها را به تفکیک دشت و کوه نشان می‌دهد. همان گونه که در جدول ١ نشان داده شده میانگین درآمدهای زراعت و باغداری دشت به طور چشم‌گیری از کوه بیشتر است، در حالی که میانگین درآمدهای دامداری، شغل دوم

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]



نمودار ۱. یک منحنی فرضی لورنز

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار درآمد خانوارهای کشاورز (نمونه ۳۵۰ نفری) شهرستان ساوجبلاغ از فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و اجزای هر کدام به تفکیک دشت و کوه، در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (به ۱۰۰۰ ریال)

منبع درآمدی	دشت		کوه		کل شهرستان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
درآمد خانوار ازفعالیت:						
کشاورزی						
زراعت	۱٤,۰۷۰	۱٤,۷۸۵	۱۰,۰۱۷	۲٦,٤۰۱	۱۲,۱۲٥	۲۱,۲۳۷
دامداری	۸,۸۱۷	۳٥,٤۰۰	۱۱,٦٦۰	٥۲,٦٤۹	۱۰,۱۸۲	٤٤,۳۳۱
باغداری	۱۰,۲٤٥	۱٥,۷۲٥	٤,٥٤۸	۷,۰٥۲	۷,٥۱۱	۱۲,٦٥٦
جمع	۳۳,۱۳۲	۳۸,٦٦۱	۲٦,۲۲٦	٥۹,۹۹٦	۲۹,۸۱۷	٥۰,۰۹٥
غیر کشاورزی						
شغل دوم	۱,۸۹٦	۳,٦۳۷	۲,۰۱۱	٤,۲۰۳	۱,۹٥۱	۳,۹۱٤
درآمدهای دیگر	۱,۱۹۰	۲,۷۱۹	۱,۳۸۸	۲,٦۱۳	۱,۲۸٥	۲,٦٦۷
جمع	۳,۰۸٦	٤,۱٦٦	۳,٤۰۰	٤,٦۰٤	۳,۲۳۷	٤,۳۷۸
جمع درآمدها	۳٦,۲۱۸	۳۸,۰۹۹	۲۹,٦۲٦	٥۹,٤۸۳	۳۳,۰٥٤	٤۹,٥٦٦

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

و درآمدهای دیگر کـوه از دشـت بیشـتر اسـت (البتـه میـانگین درآمدهای شغل دوم و درآمدهای دیگر دو ناحیه نزدیک به هـم می‌باشد). به طور کلی، میـانگین درآمـد کـل در دشـت از کـوه بیشتر است.

منحنی لورنز درآمدها

بـرای بررسـی توزیـع درآمـد در نواحـی دشـت، کـوه و کـل شهرستان، نخست به منحنی لورنز برای سـه ناحیـه توجـه شـد. نمودار ۲ منحنی لورنز را برای دشت، کوه و کل شهرستان نشـان می‌دهد. چنان که در این نمـودار دیـده می‌شـود، منحنـی لورنـز برای ناحیه دشت، در مقایسـه بـا منحنـی لورنـز کـوه، بـه خـط برابری کامل نزدیک‌تر است. بنـابراین، ناحیـه تمرکـز دشـت از ناحیه تمرکز کوه کوچک‌تر است. از سوی دیگر، آشـکار اسـت که هرچه منحنی لورنز به خط برابری کـامل نزدیک‌تـر باشـد و ناحیه تمرکز کوچک‌تر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر است؛ پـس توزیع درآمد در ناحیه دشت از ناحیه کوه متعادل‌تر بوده اسـت. واضح است که منحنی لورنز برای کل شهرستان بین منحنی‌هـای لورنز دشت و کوه قرار می‌گیـرد، و ناحیـه تمرکـز آن از ناحیـه تمرکز دشت بزرگ‌تر، و از ناحیه تمرکز کوه کوچک‌تر می‌شـود. بنابراین، میزان نابرابری درآمد در کل شهرستان از ناحیـه دشـت بیشتر، و از ناحیه کوه کمتر بوده است.

ضریب جینی درآمدها

جـدول ۲ ضریـب جینـی و نسـبت سـهم درآمـدی گروه‌هـای مختلف درآمدی جامعه را نشان می‌دهد.

همان گونه که در جـدول ۲ دیـده می‌شـود، ضریـب جینـی درآمد برای ناحیـه دشـت ۰/۳۷، بـرای کـوه ۰/۵۸ و بـرای کـل شهرستان ۰/٤۸ است. این امر گویای نابرابری شدیدتر درآمـدی ناحیه کوه نسبت به ناحیه دشت است (منحنی لورنز نیز این امـر را تـأیید کـرده بـود). در ناحیـه دشـت ٤۰ درصـد خانوارهـای کم‌درآمد فقط ۱۸/۳۵ درصد کل درآمـد را بـه خـود اختصـاص داده بودند. این وضعیت برای ناحیه کوه حـادتر، و رقـم مشـابه درآمد ۹/۵۷ درصد بود، که توزیع بدتر درآمد در ناحیـه کـوه را تأیید می‌کند. رقم مذکور برای کشاورزان کـل شهرسـتان ۱۲/۹۷ درصد بـود. از طـرف دیـگر ٤۰ درصـد خانوارهـای بـا درآمـد متوسط در ناحیه دشت ۳۷/۱۱ درصـد از درآمـد کـل را در بـر می‌گیرند، درحالی که این رقم در کـوه ۲۷/٤٦ درصـد اسـت، و برای کل شهرستان ۳٤/۲٦ درصد می‌باشد. هـم‌چنیـن، سـهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد دشت از کل درآمد در دشـت ٤٤/٥٤ درصد، و در کوه ٦۲/۹۷ درصد است. این امر بـاز تـأیید کننـده وضعیت بدتر توزیع درآمد در کوه نسبت به دشـت اسـت. رقـم مشابه برای کـل شهرسـتان ۵۲/۷۷ درصـد اسـت. نسـبت سـهم درآمـد ۲۰ درصـد خانوارهـای پردرآمـد بـه سـهم ٤۰ درصـد خانوارهای کم‌درآمد در دشت ۲/٤۳، و در کـوه ٦/۵۸ بـود، کـه وضعیت بدتر توزیع درآمد در کـوه را نسـبت بـه دشـت نشـان می‌دهد. هم‌چنین، نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد در دشت ۱۱/۱٤، و در کوه ۵۵/۳ بود.

مقایسه دهک‌ها و پنجک‌های درآمدی

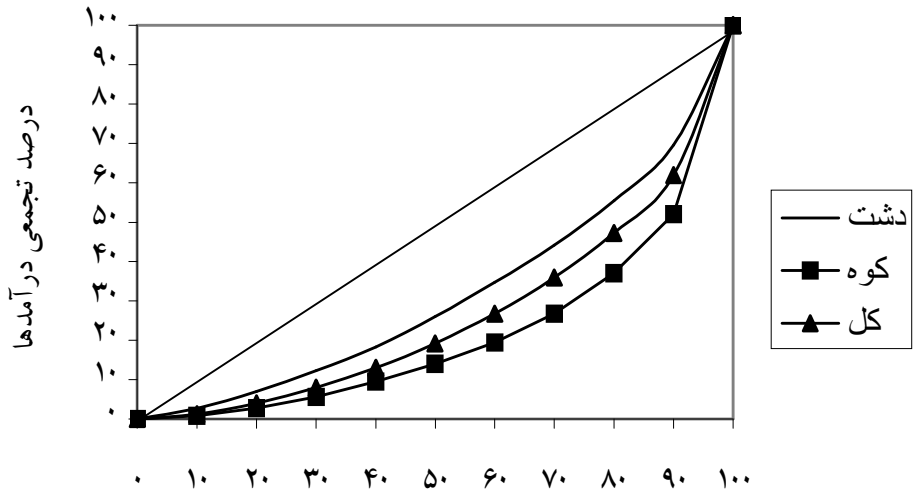
چنان که در جدول ۳ نشان داده شـده، سـهم درآمـد دهک‌هـای ناحیه دشت تا دهک هشتم بیشتر از ناحیه کوه است، و تنـها در دو دهک نهم و دهم سهم منطقه کوه از دشت بیشـتر اسـت. بـه دنبال وضعیت دهک‌ها، سهم درآمد در پنجک‌های اول تا چهارم دشت بیشتر از سهم پنجک‌های مشابه در کوه می‌باشد، و فقـط سهم پنجک پنجم دشت کوچک‌تر از کـوه اسـت. ایـن مقایسـه دهک‌ها و پنجک‌های دشت بـا کـوه نشـان می‌دهـد کـه توزیـع درآمد در کوه بدتر از دشت می‌باشد.

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد توزیع نامتعادل درآمد

همان گونه که در مقدمه اشـاره شـد، عوامـل بسـیار زیـادی بـر توزیع درآمد اثر می‌گذارد، که در این جا بـه چنـد عـامل اشـاره می‌شود.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]



نمودار ۲. منحنی لورنز برحسب ناحیه

جدول ۲. ضریب جینی و نسبت سهم درآمدی طبقات مختلف کشاورزان (نمونه ۳۵۰ نفری) در شهرستان ساوجبلاغ بر حسب ناحیه، در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹

شرح	ناحیه		
	دشت	کوه	کل
ضریب جینی	۰/۳۷	۰/۵۸	۰/٤۸
سهم درآمدی ٤۰٪ خانوارهای کم‌درآمد	٪۱۸/۳۵	٪۹/۵۷	٪۱۲/۹۷
سهم درآمدی ٤۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط	٪۳۷/۱۱	٪۲۷/٤٦	٪۳٤/۲٦
سهم درآمدی ۲۰٪ خانوارهای پردرآمد	٪٤٤/۵٤	٪٦۲/۹۷	٪۵۲/۷۷
نسبت سهم درآمد۲۰٪ خانوارهای پردرآمد به سهم ٤۰٪ خانوارهای کم‌درآمد	۲/٤۳	٦/۵۸	٤/۰۷
نسبت سهم درآمد ۱۰٪ خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰٪ خانوارهای کم‌درآمد	۱۱/۱٤	۵۵/۳	۳۲/٤۱

زمین

میانگین سطح زمین ملکی، اجاره‌ای و کل هر خانوار در دشت به ترتیب ٤/۷۵، ۰/٦۲ و ۵/۳۷ هکتار بود. ارقام مشابه برای کوه ۲/۷۹، ۱/۲۱ و ٤ هکتار است. به طور کلی، میانگین سطح زمین‌های ملکی دشت از کوه بیشتر است، در حالی که میانگین سطح زمین‌های اجاره‌ای کوه از دشت بیشتر است. ضریب جینی برای زمین کل در ناحیه دشت ۰/۳۹، در ناحیه کوه ۰/۵٦، و برای کل شهرستان ۰/٤۷ می‌باشد. نکته شایان توجه این که این ضرایب جینی زمین برای نواحی دشت، کوه و کل شهرستان به ضریب جینی درآمدی این نواحی بسیار نزدیک است.

داده‌های جدول ٤ نشان می‌دهد که پنجک‌های درآمدی اول و دوم کوه از نظر توزیع زمین ملکی در وضع بدتری نسبت به

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

جدول ۳. سهم درآمد در هر کدام از دهک‌ها و پنجک‌های مختلف درآمدی کشاورزان (نمونه ۳۵۰ نفری) به تفکیک دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ، در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (درصد)

دهک و پنجک	ناحیه		
	دشت	کوه	کل شهرستان
دهک اول	۲/۷۳	۰/۸۷	۱/۱۷
دهک دوم	٤/۲۷	۱/۹۲	۲/۸۳
دهک سوم	٥/۲۹	۲/۸٤	۳/۹۳
دهک چهارم	٦/۰٦	۳/۹٤	٥/۰٤
دهک پنجم	۷/٦۸	٤/٤٥	٦/۲۰
دهک ششم	۸/٦۷	٥/٤٤	۷/٥۷
دهک هفتم	۹/٤۸	۷/۳۲	۹/۱٦
دهک هشتم	۱۱/۲۸	۱۰/۲٥	۱۱/۳۳
دهک نهم	۱٤/۱۰	۱٤/۹۷	۱٤/۷۳
دهک دهم	۳۰/٤٤	٤۸/۰۰	۳۸/۰٤
پنجک اول	۷/۰۰	۲/۷۸	٤/۰۰
پنجک دوم	۱۱/۳٥	٦/۷۸	۸/۹۷
پنجک سوم	۱٦/۳٥	۹/۸۹	۱۳/۷۷
پنجک چهارم	۲۰/۷٦	۱۷/٥۷	۲۰/٤۹
پنجک پنجم	٤٤/٥٤	٦۲/۹۷	٥۲/۷۷

جدول ٤. سهم زمین (ملکی و اجاره‌ای) در هر کدام از پنجک‌های مختلف درآمدی کشاورزان (نمونه ۳۵۰ نفری) به تفکیک دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (درصد)

منطقه	پنجک	ملکی	اجاره‌ای	کل
دشت:				
	۱	۱٤/۹۲	۱۲/۸٦	۱٤/٤۸
	۲	۱٥/۳۰	۲٥/٤۰	۱٦/٦۸
	۳	۱۸/٤۲	۲۳/٤۷	۱۹/۰۰
	٤	۲۰/۱۹	۱٤/۷۹	۱۹/٥٦
	٥	۳۱/۱۸	۲۳/٤۷	۳۰/۲۹
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کوه:				
	۱	۷/۲۱	۱/٥	٥/٥
	۲	۱۲/۲۱	۰	۸/٥٥
	۳	۲۱/۱٤	۳	۱٥/٦۹
	٤	۲۷/۰۰	۱۳/٦٤	۲۲/۹۹
	٥	۳۲/٤۳	۸۱/۸٦	٤۷/۲۸
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
دشت و کوه:				
	۱	۹/۳٥	٥/۰٥	۸/٥۲
	۲	۱٥/٥٥	۸/۷۹	۱٤/۲٥
	۳	۲۰/۸٦	۷/٤۲	۱۸/۲۸
	٤	۲۳/۲۸	۱۷/۳٦	۲۲/۱٤
	٥	۳۰/۹٥	٦۱/۳۲	۳٦/۸۱
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

دشت قرار دارند، زیرا در کوه این دو پنجک جمعاً ۱۹/٤ درصد، ولی در دشت ۳۰/۲ درصد زمین ملکی را به خود اختصاص می‌دهند. توزیع زمین اجاره‌ای در کوه نیز بدتر از دشت، و این وضعیت به مراتب شدیدتر از وضعیت توزیع زمین‌های ملکی است. به این معنی که چهار پنجک اول در کوه جمعاً فقط ۱۸/۱ درصد زمین را به خود اختصاص می‌دهند، و در دشت این رقم ۷٦/۵ درصد است. بدیهی است توزیع کل زمین‌ها در کوه بدتر از دشت است، و این رقم به عنوان مثال در کوه برای پنجک‌های اول و دوم فقط ١٤ درصد و در دشت ۳۱/۱ درصد می‌باشد.

منابع درآمدی کشاورزی و غیر کشاورزی

جدول ۵ سهم درآمد از منابع مختلف در هر کدام از پنجک‌های درآمدی دشت، کوه و کل شهرستان را نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول دیده می‌شود، در ناحیه دشت با حرکت از پنجک درآمدی اول به پنجک درآمدی پنجم سهم درآمد زراعت از کل درآمد هر پنجک کم و بر سهم درآمد دامداری افزوده می‌شود. در حالی که در سایر منابع درآمدی روند خاصی دیده نمی‌شود. به طور کلی، در این ناحیه جز پنجک دوم که حدود ۲۰ درصد درآمد خود را از فعالیت‌های غیر کشاورزی کسب می‌کند، دیگر پنجک‌ها حدود ۸ تا ۱۳ درصد درآمد خود را از این منبع به دست می‌آورند. در ناحیه کوه وضعیت با دشت متفاوت است. بدین معنی که با حرکت از پنجک درآمدی اول به پنجک درآمدی پنجم، سهم درآمدهای زراعت، دامداری و جمع درآمد از کشاورزی هر پنجک افزوده، و از سهم درآمدهای باغداری، شغل دوم و درآمدهای دیگر و جمع درآمدهای غیر کشاورزی کاسته می‌شود. در این ناحیه درآمدهای غیر کشاورزی در تأمین درآمد کل پنجک‌های درآمدی اول و دوم با حدود ٤۵ درصد درآمد کل نقش مهمی دارند، و نقش این درآمدها در تأمین درآمد کل پنجک سوم ۲۵ درصد و برای پنجک پنجم فقط ۳/۵ درصد است. در کل شهرستان هم روندی مانند کوه وجود دارد.

جدول ٦ توزیع درآمد در پنجک‌های مختلف دشت، کوه و کل شهرستان را به تفکیک منابع مختلف درآمدی نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که: الف) نابرابری توزیع درآمد بیشتر از کشاورزی نشأت گرفته و نابرابری درآمدهای غیر کشاورزی از اهمیت کمتر برخوردار است. این موضوع برای هر دو ناحیه دشت و کوه صادق است. ب) نابرابری درآمد کشاورزی در دشت به ترتیب در دامداری، باغداری و زراعت دیده شد. ولی در کوه، نابرابری درآمد به ترتیب ناشی از دامداری، زراعت و باغداری بود.

سن اعضای سرپرست خانوار

میانگین سن سرپرستان خانوارهای کشاورز (نمونه ۳۵۰ نفری) ناحیه دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ در جدول ۷ نشان داده شده است. چنان که داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد، میانگین سنی کشاورزان در ناحیه کوه بیشتر از ناحیه دشت است، که به این علت است که شرایط زندگی در کوه، و به ویژه در قسمت طالقان دشوار بوده و جوانان کوه، در مقایسه با دشت، مهاجرت بیشتری به خارج از کوه داشته‌اند. مقایسه میانگین‌های سن کشاورزان در هر کدام از نواحی دشت و یا کوه در پنجک‌های مختلف روند خاصی را نشان نمی‌دهد. نکته شایان توجه این که در دشت پنجک پنجم، که پردرآمدترین کشاورزان هستند، از میانگین سنی بیشتری (۵۸/۳٦ سال) نسبت به دیگر پنجک‌ها برخوردارند. این موضوع در کوه برعکس بوده است، بدین معنی که میانگین سنی فقیرترین پنجک بیشترین، یعنی ٦۸/۳۵ سال است. توضیح این که در ناحیه دشت کشاورزان با سنین زیادتر اغلب دارای زمین ملکی بیشتری بوده که در نتیجه آن دارای درآمد بیشتری شده‌اند.

سطح تحصیلات سرپرست خانوار

توزیع سرپرستان خانوارهای کشاورز (نمونه ۳۵۰ نفری) دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ بر حسب سطح تحصیلات سرپرست در هر کدام از پنجک‌های مختلف درآمدی در سال

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

جدول ۵. سهم درآمد از منابع مختلف در هر کدام از پنجک‌های درآمدی مختلف کشاورزان (نمونه ۳۵۰ نفری) شهرستان ساوجبلاغ، در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (درصد)

منطقه و پنجک	درآمد از کشاورزی				درآمد از غیر کشاورزی			درآمد کل
	زراعت	دامداری	باغداری	جمع	شغل دوم	درآمدهای دیگر	جمع	
دشت:								
۱	۵۲/۹۸	٦/۱۸	۲۸/۱۲	۸۷/۲۸	٦/۳۹	٦/۳۳	۱۲/۷۲	۱۰۰
۲	٤۷/۹٤	۵/۰۳	۲۷/٤۰	۸۰/۳٦	۱۰/۸۲	۸/۸۱	۱۹/٦٤	۱۰۰
۳	٤٤/۸۷	۷/٦۰	۳۵/٦۱	۸۸/۰۸	۹/۳۷	۲/۵۵	۱۱/۹۲	۱۰۰
٤	٤۱/٤۵	۱٤/۰۰	۳۳/۵۹	۸۹/۰۳	٦/۸۲	٤/۱٤	۱۰/۹٦	۱۰۰
۵	۳۸/۸۵	۲٤/۳٤	۲۸/۲۹	۹۱/٤۸	۵/۲۳	۳/۲۹	۸/۵۲	۱۰۰
کوه:								
۱	۹/۷۵	۰/۰	٤۵/٤۳	۵۵/۱۹	۲۳/٤۵	۲۱/۳٦	٤٤/۸۱	۱۰۰
۲	۱٦/۲۹	۱۷/۵۳	۲۰/٦۳	۵٤/٤۵	۲۵/٤۷	۲۰/۰۸	٤۵/۵۵	۱۰۰
۳	۲٤/۲۰	۲۵/۰۱	۲۵/۸۹	۷۵/۱۰	۱۷/۹۹	٦/۹۰	۲٤/۹۰	۱۰۰
٤	۲۷/۵۵	۳۷/۰۲	۲۱/۵۰	۸٦/۰۷	٦/٦٦	۷/۲۷	۱۳/۹۳	۱۰۰
۵	٤۰/۰٤	٤٦/٤۳	۱۰/۰٦	۹٦/۵۳	۲/۲۵	۱/۲۲	۳/٤۷	۱۰۰
دشت و کوه:								
۱	۲۰/۳۷	۷/۸۵	۳۲/۷۷	٦۰/۹۹	۱۹/۹۸	۱۹/۰۳	۳۹/۰۱	۱۰۰
۲	۳٤/۱۰	۱۵/۰۰	۲۷/۳۵	۷٦/٤۵	۱۵/۷٦	۷/۷۹	۲۳/۵۵	۱۰۰
۳	٤۳/۷۹	۱۸/۷٤	۲۰/٦۹	۸۳/۲۲	۱۰/۱۱	٦/٦۷	۱٦/۷۸	۱۰۰
٤	٤۱/۵٦	۱۵/٤۳	۳۲/۳۵	۸۹/۳٤	٦/۲۲	٤/٤٤	۱۰/٦٦	۱۰۰
۵	۳٤/٦۱	٤٤/۳۵	۱۷/۹٦	۹٦/۹۲	۱/۵٤	۱/۵٤	۳/۰۸	۱۰۰

زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ در جدول ۸ نشان داده شده است. همان گونه که داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد، در دشت اگر چه تا حدودی رابطه‌ای مثبت بین درصد بی‌سوادان و سطح درآمد وجود دارد، ولی روی هم رفته رابطه خاصی بین درصد سطح تحصیلات و سطح درآمد دیده نمی‌شود. در ناحیه کوه، با حرکت از پنجک اول به پنجک پنجم، که پردرآمدترین کشاورزان هستند، درصد بی‌سوادان، و تا حدودی خواندن و نوشتن کاهش یافته، و این روند برای پنجم ابتدایی برعکس است. این وضعیت تا حدودی نشان دهنده رابطه مستقیم سطح تحصیلات و سطح درآمد در کوه است. در مجموع، اثر سطح تحصیلات بر درآمد در کوه بیشتر از دشت مشهود است.

جنسیت سرپرست خانوار

از ۳۵۰ نفر نمونه مورد بررسی فقط سه نفر آنها زن بودند. بنابراین، به علت ناچیز بودن شمار زنان در میان کشاورزان از مقایسه جنسیت خودداری گردید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در شهرستان ساوجبلاغ نابرابری توزیع درآمد در کوه بیشتر از دشت بود. نابرابری در توزیع درآمد کل در ناحیه دشت و ناحیه

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

جدول ٦. توزیع درآمد در پنجک‌های مختلف درآمدی کشاورزان (نمونه ۳۵۰ نفری) دشت، کوه و کل شهرستان به تفکیک منابع مختلف درآمدی (درصد)

ناحیه و	درآمد از کشاورزی				درآمد از غیر کشاورزی		
پنجک	زراعت	دامداری	باغداری	جمع	شغل دوم	درآمدهای دیگر	جمع
دشت:							
۱	۹/٥٤	۱/۷۸	٦/۹٦	٦/٦۸	۸/٥٥	۱۳/٤۸	۱۰/٤٥
۲	۱٤/۰۱	۲/۳٤	۱۱/۰۰	۹/۹۷	۲۳/٤۸	۳۰/٤٥	۲٦/۱۷
۳	۱۸/۳۳	٤/۹٥	۱۹/۹۸	۱٥/۲۸	۲۸/٤۱	۱۲/۳۳	۲۲/۲۰
٤	۲۲/٦٥	۱۲/۲۱	۲٥/۲۱	۲۰/٦۷	۲۷/٦۸	۲٦/۷۷	۲۷/۳۳
٥	۳٥/٤٦	۷۸/۷۲	۳٦/۸٥	٤۷/٤۰	۱۱/۸۸	۱٦/۹۷	۱۳/۸٥
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کوه:							
۱	۰/۸۰	۰/۰۰	۸/۲٤	۱/۷٤	۹/٦۲	۱۲/٦۹	۱۰/۸۷
۲	۳/۲۷	۳/۰۲	۹/۱۲	٤/۱۷	۲٥/٤٤	۲۹/۰۷	۲٦/۹۳
۳	۷/۳٥	٦/٥۳	۱۷/۳۲	۸/۷۲	۲۷/۲۲	۱٥/۱٤	۲۲/۲۹
٤	۱٤/۰۰	۱٦/۱۷	۲٤/۰۷	۱٦/۷۱	۱٦/۸٦	۲٦/٦۷	۲۰/۸۷
٥	۷٤/٥۷	۷٤/۲۸	٤۱/۲٤	٦۸/٦٦	۲۰/۸٦	۱٦/٤۲	۱۹/۰٥
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
دشت و کوه:							
۱	۲/۲۲	۱/۰۲	٥/۷۷	۲/۷۱	۱۳/٥٤	۱۹/٥۹	۱٥/۹٤
۲	۸/۳٤	٤/۳۷	۱۰/۷۹	۷/٦۰	۲۳/۹٤	۱۷/۹٦	۲۱/٥۷
۳	۱٦/٤۳	۸/۳۷	۱۲/٥٤	۱۲/۷۰	۲۳/٥۷	۲۳/٦۲	۲۳/٥۹
٤	۲۳/۲۲	۱۰/۲٦	۲۹/۱۸	۲۰/۳۰	۲۱/٦۰	۲۳/٤۱	۲۲/۳۲
٥	٤۹/۷۹	۷٥/۹۷	٤۱/۷۲	٥٦/۷۰	۱۷/۳٥	۱٥/٤۲	۱٦/٥۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

جدول ۷. میانگین سن سرپرستان خانوارهای کشاورز (نمونه ۳۵۰ نفری) دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ در پنجک‌های مختلف درآمدی، درسال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (درصد)

پنجک	ناحیه		
	دشت	کوه	کل شهرستان
۱	٥٤/٨٦	٦٨/٣٥	٦٣/٠١
۲	٥٢/٢٢	٦٠/٠٠	٥٤/٦٣
۳	٥٢/٨١	٥٣/٨٥	٥٦/٥٨
٤	٥٢/٣٢	٦٠/٦٧	٥٤/١١
٥	٥٨/٣٦	٥٧/٧٩	٥٦/٨٦

جدول ۸. توزیع سطح تحصیلات سرپرستان خانوارهای کشاورز (نمونه ۳۵۰ نفری) دشت، کوه و کل شهرستان ساوجبلاغ در هر کدام از پنجک‌های مختلف درآمدی، در سال زراعی ۱۳۷۸-۱۳۷۹ (درصد)

سطح تحصیلات	بی‌سواد	خواندن و نوشتن	پنجم ابتدایی	سوم راهنمایی	دیپلم	بالاتر از دیپلم	جمع
پنجک‌های دشت:							
۱	٣٨/٨٩	١٦/٦٧	٢٧/٧٨	٨/٣٣	٨/٣٣	٠/٠٠	١٠٠
۲	١٩/٤٤	١١/١١	٥٥/٥٦	٨/٣٣	٥/٥٦	٠/٠٠	١٠٠
۳	٣٥/١٤	١٠/٨١	٢٩/٧٣	١٠/٨١	١٣/٥١	٠/٠٠	١٠٠
٤	٣٥/١٤	١٦/٢٢	٣٧/٨٤	٨/١١	٢/٧٠	٠/٠٠	١٠٠
٥	٥٠/٠٠	١٩/٤٤	٢٢/٢٢	٠/٠٠	٥/٥٦	٢/٧٨	١٠٠
پنجک‌های کوه:							
۱	٤٤/١٢	٣٢/٣٥	١١/٧٦	٢/٩٤	٨/٨٢	٠/٠٠	١٠٠
۲	٢٠/٥٩	٤٤/١٢	٢٠/٥٩	٨/٨٢	٥/٨٨	٠/٠٠	١٠٠
۳	٢٤/٢٤	٢٧/٢٧	٢١/٢١	١٢/١٢	١٢/١٢	٣/٠٣	١٠٠
٤	٢١/٢١	٢٧/٢٧	٣٣/٣٣	٠/٠٠	٩/٠٩	٩/٠٩	١٠٠
٥	٨/٨٢	٢٩/٤١	٤٧/٠٦	٠/٠٠	١١/٧٦	٢/٩٤	١٠٠
پنجک‌های دشت و کوه:							
۱	٣٢/٨٦	٣٤/٢٩	٢٠/٠٠	٥/٧١	٧/١٤	٠/٠٠	١٠٠
۲	٣٠/٠٠	٢٢/٨٦	٢٥/٧١	١٠/٠٠	١٠/٠٠	١/٤٣	١٠٠
۳	٢٢/٨٦	٢٢/٨٦	٣٧/١٤	٤/٢٩	١١/٤٣	١/٤٣	١٠٠
٤	٣٢/٨٦	١٢/٨٦	٣٥/٧١	٨/٥٧	٥/٧١	٤/٢٩	١٠٠
٥	٣١/٤٣	٢٢/٨٦	٣٥/٧١	١/٤٣	٧/١٤	١/٤٣	١٠٠

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

کوه بیشتر از منابع کشاورزی نشأت می‌گرفت، و درآمدهای غیر کشاورزی در این نابرابری نقش کمتری داشت. نابرابری درآمدهای کشاورزی در دشت به ترتیب به دامداری، باغداری و زراعت، و در کوه به دامداری، زراعت و باغداری مربوط می‌شد. نابرابری توزیع زمین از عوامل ایجاد کننده نابرابری درآمدی بود، به گونه‌ای که ضریب جینی زمین در دشت و در کوه به ضریب جینی درآمدی آنها بسیار نزدیک بود. این نتایج شبیه به نتایج آدامز (۱۱) است، که نشان داد علت اصلی نابرابری درآمد ناشی از توزیع نامناسب زمین است. نابرابری توزیع زمین در کوه شدیدتر از دشت بود.

بین سن و سطح تحصیلات سرپرست خانوار و نابرابری درآمدی ارتباط خیلی محکمی دیده نشد. به علت ناچیز بودن شمار زنان در میان کشاورزان، از مقایسه جنسیت خودداری گردید.

بر اساس یافته‌های پژوهش، که نابرابری درآمدی عمدتاً از نابرابری زمین نشأت می‌گیرد و بهبود در توزیع زمین به راحتی امکان‌پذیر نیست، پیشنهاد می‌شود برای کاهش نابرابری درآمدی در ساوجبلاغ به افزایش سودآوری زراعت، باغداری و دامداری پرداخته شود؛ و در این زمینه دولت می‌تواند کمک‌هایی به کشاورزان بکند. از جمله، دولت می‌تواند کشاورزان کم‌درآمد را به تولید بیشتر محصولات سودآور مانند جالیز تشویق کند. این موضوع برای کوه جدی‌تر است، زیرا در این ناحیه میانگین درآمد کمتر و توزیع درآمد بدتر از ناحیه دشت است. آدامز (۱۱) نیز چنین پیشنهادی را به صورت تشویق تولید نیشکر برای کشاورزان پاکستانی ارائه کرده بود.

منابع مورد استفاده

۱. آسایش، ح. ۱۳۷٦. بررسی پدیدهٔ فقر و محرومیت در ایران: نابرابری و شکاف بین شهر و روستا در ایران. مجله جهاد، شماره ۲۰۰-۲۰۱: ۱۲-۲۱.

۲. ارسلان‌بد، م. ۱۳۷۹. مقایسه تغییرات توزیع مصرف در مناطق روستایی و شهری ایران. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ٤(٤): ۱۱-۱۷.

۳. رفیع پور، ف. ۱۳۷۷. *کند و کاوها و پنداشته‌ها*. شرکت سهامی نشر، تهران.

٤. روزبهان، ب. ۱۳۷٦. *مبانی توسعه اقتصادی*. چاپ پنجم، انتشارات بازتاب، تهران.

۵. زمانی‌پور، ا. ۱۳۷٤. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. انتشارات دانشگاه بیرجند.

٦. طاهری، ش. ۱۳٦٦. بررسی وضعیت توزیع درآمد در ایران و علل نابرابری و بررسی اقتصادسنجی آن (۱۳٦۳-۱۳٤۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه صنعتی اصفهان.

۷. فرجادی، غ. (مترجم). ۱۳۷۸. *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. چاپ هشتم، انتشارات بازتاب، تهران.

۸. کوپاهی، م. ۱۳۵٦. مطالعه اقتصادی روستاهای شهرستان کرج. علوم کشاورزی ایران ۱(۱ و ۲): ۲۱-۳۹.

۹. کوپاهی، م. ۱۳۵۷. مقایسه توزیع درآمد بین روستاییان و افراد ایلات شاهسون در مغان. علوم کشاورزی ایران ۲(۲ و ۳): ۱۱-۱۵.

۱۰. مرکز آمار ایران. ۱۳۷۵. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن -استان تهران -شهرستان ساوجبلاغ*. انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

11. Adams, R. H. 1995. Agricultural income, cash crops, and inequality in rural Pakistan. Econ. Develop. Cult. Change 43(3): 467-491.

12. Amin, G. A. 1978. Project appraisal and income distribution. World Develop. 6(2): 139–152.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]

13. Datt, G., D. Jolliffe and M. Sharma. 1998. A Profile of Poverty in Egypt: 1997. Food Consumption and Nutrition Division, Internationl Food Policy Research Institute, FCND, No. 49.
14. Mirrlees, J. A. 1978. Social benefit: cost analysis and the distribution of income. World Develop. 6(2): 131–138.
15. Pesaran, M. H. 1976. Income distribution and its major determinants in Iran. PP. 267-286. *In*: J. W. Jacqz (Ed.), Iran: Past, Present and Future. Aspen Instit./Persepolis Symp., Aspen Instit. for Humanistics Studies, Shiraz, Iran.

[Downloaded from jcpp.iut.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.22518517.1382.7.2.5.6]